



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۱۰/۲۱

عزیز کهگدای

یادداشت‌های حافظ نور محمد کهگدای

قسمت ۳۸

- **امیر عبدالرحمن خان** در زمینه تدوین سیاست و حکومتداری از تجارب شخصی و فامیلی خود بهره گرفته و در کار خود هوشیار بود. او کامیابی‌ها و شکست‌های پدر و کاکای خود را دیده و از آن تجارب زیادی اندوخته بود و در برابر انگلیس‌ها خاطرخواه و نرمش داشت. او در داخل کشور پروگرام‌های دوگانه داشت. بهرحال تشکیلات ملکی و عسکری وسعت کرده و بر اساس اقتصاد و احتیاج قرار داشت، مامورین دواير همه مسئول کار خود بودند و در صورت تخلف‌ترین مجازات میشدند. امیر پروگرام‌ها را با جدیت در افغانستان تطبیق نمود و در تعمیم آن هیچگونه قیود اخلاقی را نمی‌شناخت. امیر در دوره حکومت خود تخم پنبه را از امریکا، زردچوبه و زنجبیل را از هندوستان، نیشکر را از لاهور، بقولات، اشجار و گلها را از اروپا و افریقا، اسپ را از سیلان، خر را از بخار و غیره ایشیا را وارد کشور نمود.

- **با کشته شدن کیوناری** سفیر انگلیس در ۳ دسمبر ۱۸۷۹م، در همان روز رابرتس اعلان کرد و مردم کابل و اردوی افغانستان را مسئول قتل کیوناری شمرده، اظهار داشت: هر چند که دولت برتانیه حق دارد تا شهر کابل را با خاک یکسان کند ولی از این اقدام خودداری نموده و تنها ابنیه و عماراتی را که ضرورت حربی ایجاد میکند، تخریب خواهد کرد. و اهالی کابل مکلف اند تا جرمانه دسته جمعی تادیه کنند و تمام کسانی را که در واقعه کشته شدن سفیر دست داشته اند به قوای انگلیس معرفی نمایند، همچنین دولت محمد یعقوب خان را جهت تحقیق و استنطاق صادر کرد.

فردای آنروز افراد اردوی سابق یعقوب خان و اهالی را بدون تحقیق به دار آویختند و هر دو قسمت بالاحصار به امر رابرتس به هوا پرانده شد و تنها دیوارهای آن قصور زیبا باقی ماند.

- در آن زمان‌های که در افغانستان بانک وجود نداشت و همه داد و ستد توسط صرافان مخصوصاً صرافان اهل هنود صورت می‌گرفت، امیر دوست محمد خان برای سفر هرات، مبلغ بیست هزار روپیه از سیدا جان سوداگر قرض کرده زیرا که خودش مفلس بود. این مطلب را نظر محمد خان رئیس عمومی خزائن افغانستان بانک اظهار داشته بود.

- **امان افغان** نام جریده دولت امانی بود که آغاز آن به روز ۲۲ حمل ۱۲۹۸ ش مطابق ۱۹۱۹م و طبع آن در مطبعه دارالسلطنه کابل صورت گرفته بود. عنوان جریده مذکور توسط استاد محمد حسین حلمی پسر محمد مصطفی حکاک زاده طرح و رسم شده بود این جریده از شماره نمبر مسلسل ۵۸ مورخه ۱۶ قوس ۱۳۰۷ش به بعد روزنامه شد.

- **استاد های سلمانی** شاهان افغانستان: استاد عبدالجبار سلمانی حضور امیر شیرعلی خان، استاد رجب علی خان سلمانی سردار محمد ایوب خان، حاجی محمد رحیم در اوایل سلمانی حضور امیر محمد افضل خان بود و بعد از آن نزد سردار محمد یوسف خان بود. دو استادان سلمانی خیرمحمد و محمد خان سلمانی های حضور امیر عبدالرحمن خان بودند. تا زمان جنگ محمد اسحاق سلمانی و بعد از جنگ استاد محمد رحیم که سلمانی پدرش بوده و در بندی خانه همراي پدرش میبود و امیر عبدالرحمان خان او را نزد خود خواسته باشی سلمانی ها مقرر کرد و زیر دستان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

او، فقرمحمد، امیرمحمد، حاجی عبدالغفور، محمد امان و غلام حسن بودند که در زمان امیرحبیب الله خان شهید از تمام این ها فقط دو نفر شان ماندند.

خلیفه غلام حسن وظیفه دار اصلاح مو و ناخن بوده و در چند روزه سلطنت نائب السلطنه هم سلمانی بود بعداً سلمانی حضور امیر امان الله خان و سپس سلمانی حبیب الله بچه سقو شد و خلیفه محمد عظیم کارحمام را میکرد. استاد محمد رحیم همان طور بصفت باشی معاش میخورد اما به دربارحاضر نمی بود. خلیفه غلام حسن پسر غلام محی الدین و پسر صابر خان می باشد و در گذر قصاب کوچه سرچوک می نشست، روزیکه اعلیحضرت شهید نادرشاه کابل رافتح نمودند هنوز به ارگ نرفته اولاً در ده افغانان کابل بجای یکی از دوستان سکونت کردند و سپس بجای فتح محمد خان امین العسس سابقه بودند که خلیفه غلام حسن را طلب نمودند و از وی گله کرده به این عبارت: من نمیگویم، لکن هاشم جان میگفت که ماکیان هستی چرا که کل دوستان یاریب شدند و تو هنوز نیامدی؟ وی پیری خود را عذرآورد، ولی اعلیحضرت شهید فرمودند: من انشاء الله جبران تکالیف ترا خواهم نمود و تا که من پیر نشده ام، تو پیر نمی شوی.

- **محمود وراق هروی** یکی از شعرای قرن سوم هجری است که پیشه وراقی «صحافی و کتاب فروشی» داشت. در زهد، آداب و حکم، اشعار فراوان دارد. روایت می کنند که او کنیزی داشت و معتصم خلیفه آنرا به هفت هزار دینار می خرید ولی محمود وراق بفروش آن موافقت نکرد. وقتیکه وراق فوت کرد، خلیفه از ورثه وراق به هفت هزار خرید اما منهای سراج گوید: کنیز محمود وراق که «**رانبه**» نام داشت، محمد بن طاهر پادشاه خراسان به خریدن آن علاقه زیاد داشت چون عشق کنیز را با محمود وراق بدید او را با چهارده بدره سیم بدو بخشید.

- **سرای قالین** «دکان سرور دهقان شاعر» ، هوتل افضل سوز، هوتل کاکا صالح، هوتل مهاجرین و غیره که در مقابل پل یک پیسگی و آغاز جاده شاهی موقیعت داشتند با جوی بزرگ مقابل هوتلها از طرف عصر آبپاشی و در ایام ماه مبارک رمضان جمع و جوش خاصی داشتند، استاد نتوکه یگانه آوازخونی بود که اشعار را درست و صحیح میخواند، در یکی از این هوتلها می سراید.

در یکی از این شب های مبارک رمضان، کبیر جان باغبان باشی که شیفته صدای استاد شده بود به عجله گادی را از سرای گادی خانه ده افغانان گرفته روانه قصر دارالامان شد و بعد ساعتی با دسته گل مقبول که از دارالامان چیده بود به هوتل آمد و در مقابل استاد نتو گذاشت. سپس استاد سه ساعت در وصف گل سراید.

- **احمد یارخان** و محمد عاقل خان هر دو «**یکتا**» تخلص داشتند و معلوم نه میشد که کدام شعراز کدام این دو نفر است، هر چند گفته میشد که یکی شان، تخلص دیگر انتخاب کند، قبول نمی کردند. بالاخره شعرا مجلسی آراستند و هر دو را به مشاعره خواستند تا هر کدام کامیاب برآید بنام وی محضر بنویسند تا تخلص «**یکتا**» مسلم اویاشد.

در این مجلس همینکه این دو شاعر بهم دیدند، احمد یارخان گفت: ما و شما عوض اینکه یکتا شویم اینک «**دوتام** **شدیم**» خلاصه در طرح غزل مشاعره هم احمد یارخان بر عاقل خان فائق آمد و در محضرش آفرین لاهوری نوشت.

براین معنی گواهییم آفرین که احمد یارخان یکتاست یکتا
دیگری نوشت: گوهر یکتاست احمد یارخان. «از صفحه ۲۰۰ تذکره سرو آزاد»

پایان